

## امروز یا مولانا

پس صلہ یاران رہ لازم شمار  
ہر کہ باشد گر پیادہ گر سوار  
وہر عدو باشد ہمیں احسان نکوست  
کہ احسان بس عدو گشتست دوست

**پیش**

## تسویه حساب

| جواد منصف |



از سلام واحوال پرسید گفت: آقای  
منصف مگه تو تازه از ازم انشدی.  
- چرا ولی خب تمام شد و  
او دمید دیگره.  
- تسویه حساب ۴۵ روزه  
کردی؟  
- آره  
- آنها هم دفتر را نگاه  
نمی کردند که زمان ازم از  
نمی رویی که فرستادند کی بود.  
گفت: حالا چه کار می توانم  
برات بکنم؟  
- چه ها که ازم می شن؟  
گفت: نمی دونم ولی چند  
دارم.  
از کتاب «در میدان مین»

پدر و مادر تا سمر مقابل  
خانه دیدند، گفتند:  
چی شد دیواره مجروح  
برگشتی؟ گفتیم: نه  
معلومیت تمام شد، دانش  
ما ضرر خفته ما بود، گفت  
معلومیت که ۲۵ روزه  
نیست تورو خابگو چی  
شد؟ گفتیم: هیچی بابا،  
پدر فرد می کرد، تسویه  
حساب برگشت  
گفتم که درزانی بودم.  
چون می ترسیدم اگر مردم  
بشنوند ملک بینازند که  
تو بچه بودی در زندان؟  
سبحان الله اعلم الغائبين و...

یک خبر | یک نگاہ

**لطفا سخاوت به خرج دهید**

[illegible][illegible]

## شاطر

## غبارروبی زمین

پروژه مرمت و جلادهی مجسمه «ره‌اندو پومودورو» مجسمه‌ساز بزرگ ایتالیایی، واقع در باغ مجسمه سوزده‌هترهای معاصر تهران با عنوان «غبار روی زمین» رونمایی شد.



## دفتر و دیوان



# جهان زنانه؛ جهانی که جنگ را دوست ندارد

[illegible]

نام سرور و مردی همیشه یادآور همدارهای  
فرسنگان به نوعی مفاد و خوبروی است  
و به شهادت تاریخ بیشتر از همه زمان  
و مکان را می‌شناسد و می‌داند و جنگ  
چنگل آرد و از امان نه چنان آوردند و در  
همچنان به بهانه‌های اهام در سرتیبه  
سرتیبه‌ها به جنگ اورد و دست زده چنان  
است. حقیقت زن آشتی و حل عقده‌های  
و اقامت و حاصل آمدن از جنگ‌ها است  
و اقامت با آشتی با برگیری از دور زنان و اجداد  
و نامش، زانویی، نام خود و قوم و دین و شمش  
و بسیاری از سرتیبه‌ها را سرانجام می‌دهد و به  
صلحی با پارس تبدیل می‌شود و سده‌هاست  
که در میان راه سرتیبه‌ها با آشتی با عنوان  
«خوسل» برقرار است که همواره، کارایی  
دور دارد و حل اختلاف بین قوم‌ها شده  
است. هنوز زمان راه حل همگونی عوض عوض  
و «مردمانه» (فرهنگ کلیه می‌مقدم، ۵۷)  
و ارام است. کل هم‌الملک کل حاکم است و

[illegible]

**قذافی سراسی**  
اساتذہ کا گھر

روزی کے نقش زن بہ در آمدند  
سر کار گاه وظیف اسکند  
دید اندر آن میان نتوان یافت  
بازن یکی به جلوه همتانند

در مرآتانی سازد و کشتار، کینک و پیکار  
است، اما جامعه به هیئت هیوار و هیوار  
به تحقیق قذافیایی نثر، تراجیح، نقل، دشمنی  
نقد، یعنی ذاتیایی نادر، نادر بوده است  
سند بر در همه استگاههای گناه  
سردار، که همه چیز خوشنهاد و

تتری طلیعی هارنج می پرده اند، دم از حقوقی  
زند که در آن سراسی، قوام، بخشش و ابتزار،  
سراسر است. در تمام حقیقت، کار  
رفائی چون انری و مولانا دیده اند، پرستش  
یاب و در نال تازین، صورت آن (تجلی آن)

امروز یہ ہے، فکر میں کنے؟



## هر روز یک تخریب

شهرام شریف  
روزنامه نگار

[illegible]

بی، مناسبت

## اطفال در آینه حقوق شهروندی

[illegible][illegible]